

# جامعه

فرهنگی هنرورسیدنی  
وژنه



## سینمای ایران جامانده از تقویم

به بهانه رسیدن شب یلدا، وضعیت سینمای مناسبتی را مورد بررسی قرار داده‌ایم

### هویت بصری شبکه خبر متحول می‌شود

سیاست‌گذاری‌های پیش روی معاونت سیاسی صداوسیما به روایت حسن عابدینی



۶ | <

### پژوهش بدون کاربست اتلاف وقت و سرمایه است

دکتر مهدی نویدادهم، دبیرکل سابق شورای عالی آموزش و پرورش از چالش‌های پژوهش می‌گوید



۱۱ | <

### سریال‌هایی برای مفاخر ایران

معاون سیمای رسانه ملی از تولید برخی مجموعه‌های تازه خبر داد



۶ | <

## خُبثِ خصم در کار است؛ به هوش باشیم

که تعالی بخشیدن به بصیرت و افزایش آگاهی‌مان در این شرایط می‌تواند تضمین‌کننده حرکت‌مان به سوی اهداف و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی باشد و «تقویت» همین بصیرت و آگاهی است که مانع از دل‌سرد شدن‌مان به هردلیلی می‌شود.

همچنین یادمان هست که نتایج‌ها در سخنان‌ها باز هم شعار زن-زندگی-آزادی را مطرح کرده که لازم است یادآور شویم این شعار هرگز برآمده از نیازها و روند طبیعی جامعه دینی ایران نبوده و اتفاقاً از طراحی‌های رژیم اشغالگر و آمریکا است. درواقع شعاری است وارداتی و از تلقینات خارجی‌ها است.

پس در فضای کنونی که به‌ویژه در ابعاد رسانه‌ای به‌گونه‌ای طراحی‌شده تا امید به آینده را کم‌رنگ کند و پیگیرانه از رهگذر کوشش‌های رسانه‌ای به زمینه‌سازی و هدایت این ویروس خسارت‌زا مشغول‌اند، با عبرت‌گرفتن از حال‌روز سوریه پس از حدود ۱۰ روز از ورود نیروهای مسلح (که از در سازش با آنها درآمد) باز هم باید رهنمود رهبر معظم انقلاب را چراغ راه‌مان کنیم که هزینه سازش از مقاومت بیشتر است، به عبارتی، رژیم اشغالگر و آمریکا در بازه‌ای به طول ۱۴ ماه و با صرف هزینه سنگین و زودخورد (به غیر از کشتگری‌های پیشین) نتوانستند به اهداف مورد نظرشان برسند اما اکنون به ۷۰ تا ۷۰۰ نقطه استراتژیک و مهم سوریه تاختند و دست یازیدند و نه تنها به مراکز و زیرساخت‌های نظامی، حتی موسسات پژوهشی، کشاورزی، تحقیقاتی و تاسیسات نیروگاهی و... رانیز کوبیدند که فقط یکی از خسارت‌های عمده این سازشکاری را می‌توان در اعلامیه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دید که اقتصاد سوریه از رتبه ۶۸ به ۱۲۷ جهان فرو افتاده است. این هشدار است برای ما! تا آگاه باشیم که دشمن ما گوش به‌زنگ است، همیشه بیدار و درکار است و با استفاده از غفلت ما ضربه‌هایی می‌زند که خودمان هم باورمان نمی‌شود و غافلگیر می‌شویم! مستولان و مردم بایستی به‌هوش باشند و با رصد داده‌های رسانه‌ای و بررسی آنها حواس‌شان باشد تا دشمن از رهگذر موج‌سازی خبری و اطلاع‌رسانی نادرست برای خود جای پای فراهم نکند تا دل میهن پاک ما را خدای‌ناکرده بلرزاند! تاکید دارم باید در جامعه ما امید، زنده باشد و همان‌گونه که رهبرمان گفتند: باید آگاهی و بصیرت را بیش از پیش اشاعه بدسیم و از این درس‌ها و عبرت‌ها برای آینده مبارزاتی محور مقاومت توشه بیندوزیم. ان‌شا... که در این امر، کامیاب شویم.

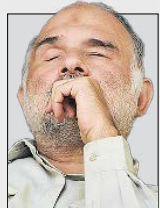
با توجه به شرایط حساس منطقه، رویدادهای اخیر و پیامد جنگ‌های منطقه‌ای و همچنین اجرای دو عملیات غرورآفرین وعده صادق باید اذعان کرد که در شرایط نیمه جنگی به‌سرمی‌بریم. در چنین شرایطی رهبر معظم

انقلاب اخیرا فرمودند: عده‌ای همت‌شان این است که دل مردم را خالی کنند؛ طوری وقایع را تصویر می‌کنند که مردم را بترسانند. در داخل نباید کسی این کار را بکند؛ این جرم است.

بنا به این مضمون هر رسانه‌ای که دل مردم را خالی کند و نگرانی‌شان را باعث شود، مجرم است. پس در واقع مسئولان باید این دستور را پاس بدارند و در این باره مواظبت و صیانت بایسته مبذول دارند. دستور رهبر معظم انقلاب براساس حقوق بین‌الملل و برپایه عرف جهانی صادر شده زیرا هر کشوری در چنین شرایط خطیری مسلماً برای جلوگیری از تأثیرپذیری مردمانش از نفوذ نرم دشمن و برای سد کردن روزه‌های نفوذ و اثرگذاری دشمن که می‌کوشد مردم را از اهداف پیشی روی‌شان نومید کند و به دل‌سردی بکشانند، صددرد

با تمهیداتی می‌کوشد جلوی نشر چنین مطالبی در قلمرو کشوری گرفته شود. اتخاذ این رویکرد پیشگیرانه نه تنها منطقی بلکه خردپذیر و ناگزیر است. رهبر معظم انقلاب طی سال‌های گذشته به مناسبت‌هایی بارها به این نکته اشاره داشتند که رسانه‌ها بایستی امید، آگاهی و بصیرت را در میان مردم ترویج دهند که به‌نوعی یکی از مولفه‌های بنیادین «جهاد تبیین و روشنگری» چنین رویکرد خردمندانه‌ای است. زیرا به‌روشنی می‌دانیم که امید به آینده در جامعه دارای نقش تعیین‌کننده و محوری است و جامعه در غیاب این ویژگی از حرکت و پویایی باز می‌ماند. نباید اجازه دهیم فرایند نگران‌سازی مانند ویروس در کشور پخش شود.

این جاست که اولویت «سرمایه اجتماعی» بار دیگر با اهمیت فوق‌العاده‌اش خودنمایی می‌کند. پس نباید سرمایه اجتماعی کشور تقلیل یابد و باید با آگاهی در خاطرم‌ان باشد که نقش تاریخی‌مان در این بزنگاه تاریخی چیست و چه باید بکنیم! ما به‌عنوان مردمی عامل و متعهد به وظیفه ملی-میهنی خود باید بدانیم



علیرضا سربخشیان  
نویسنده و منتقد

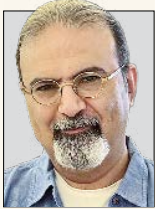
نگاهی متفاوت به نمایشنامه در انتظار گودو به بهانه اجرای آن در تماشاخانه هما

## روایت پوچی انسان مدرن

در این نوشتار به نمایش «در انتظار گودو» که در تماشاخانه هما روی صحنه است، از زاویه مضمونی و تطبیق ظرف زمانی و مکانی نگاه می‌کنیم. اهمیت و جایگاه نمایش در انتظار گودو، نوشته ساموئل بکت در سال ۱۹۵۲ در نمایش مدرن جهان بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

کلیت داستان به انتظار و امید بی‌نتیجه دو شخصیت برای ملاقات با یک منجی خیالی (گودو) و تکرار و توالی بی‌هودگی روزهای شان می‌پردازد. این نمایش که ۷۵ سال پیش و در اواخر دوران مدرنیته در غرب نوشته شد، به خوبی خلأ زندگی موجود در زندگی انسان آن زمان را به تصویر می‌کشد و امید واهی برای انتظار موعود و تکرار و پوچی زندگی انسان مدرن را که به اخلاق پشت پا زده و مذهب را از زندگی خود حذف کرده به تصویر می‌کشد. و اما چند لحظه تامل؛ آیا بکت در پایان به مخاطبان راهکاری ارائه می‌دهد و آیا چگونگی رفتاری و به بن بست رسیدن انسان را در زندگی بر ما آشکار می‌کند؟... خیر. از زاویه‌ای دیگر؛ در روان‌شناسی اگزیستانسیال سرفصلی به نام «امید به نجات دهنده غایی» وجود دارد و منظور از آن عدم تلاش فرد برای بهبود خود و دل بستن به عوامل بیرونی و افرادی مانند درمانگر، همسر، پدر، دوست و... است. یعنی فرد منتظر است کسی از بیرون بیاید و احوال او را بهبود بخشد که این امر در رویکرد اگزیستانسیال، ذیل عارضه‌های روانی تعریف می‌شود و از سویی نیز در تفکر مدرنیسم، انسان محور اصلی قرار گرفته و امید به هرکسی غیر از خود واهی و خطا شمرده می‌شود؛ تا آنجا که نیچه گفت: «خدا مرده است. خدا مرده باقی می‌ماند و ما او را کشته‌ایم. چگونه خود را تسلی خواهیم داد؟»

او فرو شکستن مفهومی بنیادین در درون مسیحیت یعنی ایمان به خدا را توسط انسان مدرن فریاد می‌زند و این‌که هیچ چیز الزام‌آور دیگری در دستان او باقی نمانده و برای فرار از این بحران نه باگشت به معنویات و ایده «آر انسان» را مطرح می‌کند. این ایده و به موازات آن داروینیسم اجتماعی موجب دیدن بر افاق اومانیزم در غرب شد و زمینه‌ساز انحرافات دیگری در تمدن بشر مانند ظهور تفکر نازیسم و دیگر جنایات بشری که تشریح آن در این مجال نمی‌گنجد. نمایش در انتظار



سید بهزاد زهرایی  
منتقد و مدرس سینما



پس متن و پیام اصلی نمایش که همانا عدم دل بستن به منجی و گریختن از بی‌هودگی تکرار و انتظار است، متناسب با فرهنگ زمانی مکانی نیست. حال آیا ما باید ارتباط‌مان را با آثار مهم نمایشی یا سینمای مطرح جهان به دلیل عدم تطابق فرهنگی و صدمات احتمالی آنها قطع کنیم؟ بی‌تردید این روش سهل‌ترین و نادرست‌ترین واکنش است که طی تجربه سالیان گذشته راه به جایی نبرده است. تولیدات فرهنگی از همه سوشیانه روز به سوی مان‌روانه می‌شود و راه‌گزیری از آنها نیست. به نظر می‌رسد بهترین شیوه مواجهه با این قبیل آثار نه بایکوت یا سانسور آنها، بلکه مواجهه‌ای شجاعانه و آگاهانه و «نقد روشن‌گرانه» یا «نقد عالمانه» بر آنهاست تا مخاطبان بتوانند از زوایایی متفاوت با آثار نمایشی و سینمایی برجسته دنیا هوشیارانه مواجه شوند و به موازات آن از ایجاد شائبه‌ها یا عدم تطابق فرهنگی آنها به درستی آگاه شوند و از صدمات احتمالی مصون بمانند.

و کلام آخر از لسان الغیب شیرازی: ای صباگر بگذری بر ساحل رود ارس بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس محمل جانان ببوس آنگه به زاری عرضه دار کز فراق سوختم ای مهربان فریادرس با آرزوی تعجیل در فرج تا جهانی از ظلم و تباهی آزاد شود.

گودو و مانند تمام آثار مدرن، تنها به شرح دوری باطل و ملال آور می‌پردازد و سرگشتگی بشر را در راهی که انتخاب کرده، بیان می‌کند؛ نمایشی که به واقع در ظرف زمانی (سال ۱۹۵۲) و مکانی خود (اروپا) بسیار اثرگذار بود. هرگز نباید فراموش کنیم که همین دو عامل مهم زمان و مکان در ارائه هر ایده و مطلب یا اثر فرهنگی نقشی بسزا دارند؛ چه بسا بسیاری مطالب که خارج از ظرف زمانی و مکانی خود ارائه شدند و اثری خنثی یا حتی معکوس داشته‌اند.

- مطمئناً امشب بود؟  
- چی؟  
- قرارمون.  
- خودش گفتم شبیه... به نظرم.  
- به نظرت؟  
- گمونم یادداشت هم کردم.  
- آخه کدوم شبیه؟ تازه مگه امروز شبیه بود؟... شاید هم یک‌شنبه بوده یا شایدم دوشنبه!  
حال ظرف زمان و مکان را شاید بتوان از منظر تفاوت و امروزی در کشورمان برای محتوای این نمایش به‌کار برد و کنایه اصلی نمایش را در زیر متنی هوشمندانه مغایر با تعالیم معنوی و مهدوی عرف جامعه دانست.  
خبر آمد خبری در راه است سرخوش آن دل که از آن آگاه است! شاید این جمعه بیاید شاید...